

میدون و سوفیا

پیوند زورکی!

● **بوریا عالم‌سی:** ایرانی‌ها عادت دارند توی زندگی واقعی به در بسته بخورند. توی زندگی مجازی هم به فیلتر و بعد صفحه سایت «پیوندها»! درواقع طبق آماری که ما چشمی گرفتیم، از هر ۸۰ میلیون ایرانی، دست‌کم ۷۹ میلیون نفر در طول روز ۷۰۰ بار به فیلتر و سایت پیوندها می‌خورند؛ یعنی شما کار سیاسی داشته باشی و بخوای بدانی کی چی گفته، کار اقتصادی داشته باشی و بخوای بدانی مظنه دلار چنده، کار احساسی داشته باشی و بخوای نیمه‌گمشده‌ات را پیدا کنی، کار جنسی داشته باشی و بخوای جنسی را جابه‌جا کنی و خلاصه هرچی، می‌خوری به سایت پیوندها! این جملات را هیچ انسان غیرایرانی روی کره زمین نمی‌تواند درک کند و این یکی از افتخارات ایرانی‌هاست که مشکلاتشان مخصوص خودشان اختراع شده. خلاصه دانشمندان جهان نشستند و دارند فناوری دیجیتال و اینترنت را پیشرفت می‌دهند. دانشمندان ما نشستند روی آخرین فناوری‌ها دست‌انداز و فیلتر نصب می‌کنند. از طرفی سایت پیوندها ثابت می‌کند ایرانی‌ها در پیوند دادن هرچی به هرچی و باقی مسائل کاملاً موفق هستند؛ مثلاً طرف می‌خواهد برود فیس‌بوک، سایت پیوندها خودش تشخیص می‌دهد و بارو را می‌فرستد به صفحه سخنان پورازغدی یا سایتی که می‌خواهد زبان فارسی را پاس بدارد توش. حالا با این اوصاف دیروز خواندیم که «سایت پیوندها» به دلیل بدهی ۳۰۰ میلیون تومانی که وزارت ارشاد به ایران هاست دارد، از دسترس خارج شده‌امی‌بینید؟ ما کاری نداریم که بودجه میلیاردی خرج فیلترینگ می‌کنند. تنها سؤال ما این است که چرا پول این بابا که مثل نگهبان جلوی در باشگاه‌ها می‌ایستد که کسی رد نشود، داده نشده؟ بعد هم اگر واقعاً این‌قدر ریخت‌وپاش است، همین پول‌ها را شما بدهید به کاربران اینترنت و مردم، تا وضع مردم خوب شود، بعد می‌بینید اصلاً کسی توی اینترنت نمی‌چرخد! بلکه همه دست از لایک‌کردن برمی‌دارند و بلند می‌شوند می‌روند دنبال عشق‌وحال و زندگی.

جمع‌بندی

سوفیا... عشقم... بابای تو هم مثل «سایت پیوندها» است؛ یعنی من هربرای می‌خواهم به تو برسیم یا روی تو کلیک کنم، او من را مثل سایت پیوندها به یک «صفحه امن و بی‌خطر و مجاز» ارجاع می‌دهد؛ مثلاً آن‌بار که داشتم می‌دویم سمت تو، بابات سریع تو را فیلتر کرد و من را سخت در آغوش گرفت و هرگز رها نکرد.

عاشق پیوندپذیر تو؛ میدون دوم

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۳۰ مرداد ۱۳۹۷ • ۹ ذی‌الحجه ۱۴۳۹ • ۲۱ آگوست ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۲۲۶ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۸ • اذان مغرب ۲۰:۰۶ • اذان صبح فردا ۴:۵۸ • طلوع آفتاب ۶:۲۸

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

اولگ درگاتچوف



قصه‌های شهر

عروسک‌هایی که بازیچه نیستند

ما، بلکه هم پرهیت‌تر! خوب که فکر کنیم یادمان می‌آید که خودمان هم در این سال‌ها بین برنامه‌های تلویزیونی بیننده پروپاقرص خیلی از این برنامه‌های عروسکی بودیم و اصلاً هم فکر نمی‌کردیم که دیدن آنها به معنی خردسالی است یا اینکه حرف‌های بچه‌گانه به خوردمان می‌دهند. حالا اگر خوب دیک دلتان برای تجربه دوباره چنین حسی جوشیده، خوب است که هفته اول شهریورماه خودتان را میهمان جشنواره عروسکی کنید. ممکن است با خودتان بگویید چه دل خوشی دارند آنها که در این وانفاسی گرانی به فکر عروسک‌بازی هستند یا چه خوشحالند که جشن برگزار می‌کنند یا چه خوش‌خیالند که طرح شادپیمایی می‌چینند. من اما فکر می‌کنم آنها آدم‌های بزرگی هستند که عروسک‌بازی را جدی گرفته‌اند؛ به همان جدیتی که می‌شود بازی‌های روزگار را دید و عروسکی ساخت که دل آدمی را گرم و سرخوش کند، در پاکبویی برای آمدن باران.

هیچ‌وقت به هیچ بچه‌ای نباید گفت تو دیگر از سن عروسک‌بازی‌ات گذشته. حتی می‌خواهم پا را از این فراتر بگذارم و بگویم عروسک‌بازی از آن کارهایی است که باید تا آخر عمر ادامه بدهیم! مصداق حرف من البته آن خرس‌های تیل و جانورهای پشمالویی نیستند که عاشقکان جوان به هم هدیه می‌دهند، بلکه منظوم یک نوع استعداد جان‌بخشی به اشیای پیرامون است که از داخلش ذوق و شادابی و سرزندگی می‌آید. اگر حرف من به نظرتان غریب می‌آید، به رسوم زندگی در گذشته نگاه کنید؛ برای آمدن باران، عروسکی می‌ساختند و می‌گرداندند، برای آمدن نوروز و بهار بز عروسکی می‌ساختند و می‌رقصاندند، برای رفع بلا سوزن به عروسک فرو می‌کردند و هر وقت دلشان پرغصه می‌شد، حکایتشان را به عروسک سنگ‌صورت می‌گفتند. همه این کارها را هم با یک شور و هیجان جمعی انجام می‌دادند؛ آن هم آدم‌هایی به همان هیبت و سن‌وسال خود



گیتی صفرزاده

چندسال قبل همکار پروژه‌ای بودم که کارش نظرسنجی و بررسی بازار مصرفی سرگرمی‌های کودکان بود. به همین علت به تعداد زیادی از اسباب‌بازی فروشی‌های پایتخت سر زدم و با صاحبانشان صحبت کردم. در آن صحبت‌ها متوجه شدم که اوضاع کارشان کم‌رونق شده و به‌جز طیف خاصی از محصولاتی که به فروش می‌روند، دیگر آن نگاه سابق به عروسک و اسباب‌بازی وجود ندارد.

گرچه جزء مخالفان بازی‌های کامپیوتری نیستم، اما فکر می‌کنم کاری که در دست‌گرفتن یک عروسک و بازی‌کردن با آن انجام می‌دهد، مقوله متفاوتی است. عروسک‌بازی آن‌قدر ماجرای مهمی هست که

یادداشت

ابهام و چندگانگی در نظام تصمیم‌گیری اقتصادی

دهند. مسئله این است که ما اساساً الگو یا برنامه کلی اقتصادی در ایران نداریم؛ الگویی که بشود بر مبنای آن سیاست‌گذاری کرد، به تعیین اولویت‌ها پرداخت و منابع را در آن جهت‌کانالیزه کرد. از این‌رو سیاست‌ها عموماً آبی هستند و در واکنش به مسائل حاد روز، واکنش‌های عمدتاً ناپسندیده دیگر اینکه نوعی چندگانگی حیرت‌انگیز در تصمیم‌گیران اقتصادی مشاهده می‌شود. نشانه‌ها خبر از این می‌دهند که در دولت موجود، چند گروه تصمیم‌گیر با برنامه‌های اقتصادی مختلف وجود دارند؛ در نتیجه دولت صدای واحدی ندارد و برنامه‌هایش هماهنگ با هم پیش نمی‌رود. اگر انبوهی از نهادهای تصمیم‌گیر خارج از حوزه رسمی دولت را هم در نظر داشته باشیم در خواهیم یافت که در این لایبرنت خطرناک، اساساً امکان برنامه‌ریزی اقتصادی سلب می‌شود. همه اینها نشان می‌دهد که حتی پیش از درپیش گرفتن سیاست‌های اقتصادی مؤثر، نیازمند اصلاحاتی در ساختار تصمیم‌گیری اقتصادی هستیم؛ ساختاری اولاً با برنامه‌ای تعریف‌شده و ثانیاً با تقسیم‌کار و حدود وظایف مشخص.

به‌رسمیت شناخته‌شده در اقتصاد سیاسی برای توصیف وضعیت ایران را ندارند. دولت کماکان بازیگر اصلی در اقتصاد است، چون عموماً عواملی غیر از سازوکارهای بازار در نسبت عرضه و تقاضا اختلال ایجاد می‌کنند، چون منطق دستوری-تجویزی بر آن غلبه دارد. با وجود همه شعارهای دولت‌های پس از جنگ در راستای کوچک‌کردن دولت و تقویت بخش خصوصی، اما هنوز هم عملاً بخش خصوصی واقعی وجود ندارد و دولت از حجم واقعی‌اش چندان نکاسته است. از طرف دیگر و با وجود شعارهای انقلاب مبنی بر رسیدگی به وضعیت طبقات مستضعف، نظام اقتصادی ما با سیستم‌های دولت رفاهی که نیازهای اساسی شهروندان را برآورده می‌کند فاصله بسیاری دارد، شکاف طبقاتی تعمیق یافته است، روزبه‌روز بر تعداد گروه‌های زیر خط فقر افزوده می‌شود و نظام تأمین اجتماعی ما بسیار ناکارآمد است. در میان این دو سرطیف در اقتصاد سیاسی، دامنه‌ای از مقولات حضور دارند که شاید هیچ‌کدام نتوانند مختصات اقتصاد ایران را نشان دهند و وجوه رانتی، رفاقتی و خویشاوندسالاری آن را پوشش

محمد هدایتی: پس از بحران اقتصادی اخیر، بسیاری از لزوم تغییر در کابینه گفتند. دولت هم، تحت فشار انتقادات به صورت ضمنی تغییرات را پذیرفت. اما نتوانسته است آرامش را به اقتصاد ایران تزریق کند. اتفاقاً برعکس خود به فضایی از عدم ثبات دامن زده است. وقتی در درون خود دولت اعتماد به بخش‌های اقتصادی خدشه‌دار می‌شود و دائماً حسی از تغییرات وجود دارد، نمی‌توان چندان از تأثیرگذاری سیاست‌ها صحبت کرد. این احساس بی‌ثباتی و عدم قطعیت عموماً به واکنش‌های نامطلوب از جانب بازار و اقتصاد می‌انجامد. دیگر اینکه برخی از بی‌تأثیربودن تغییرات [در سطح وزرا و معاونان] خبر می‌دهند. مسئله‌ای که این تردید را پررنگ می‌کند نامعلوم‌بودن استراتژی کلان دولت در عرصه اقتصادی است. این مسئله اما تنها ناظر به دولت حسن روحانی نبوده است، بلکه یک ویژگی ساختاری اقتصاد ما هم هست. در این راستا به چند مسئله می‌توان اشاره کرد. اهداف اقتصادی دولت‌ها کدامند؟ اقتصاد سیاسی ایران را با چه مفهومی می‌توان صورت‌بندی کرد؟ شاید هیچ‌کدام از مقولات

آنچه توانسته ایم لطف خدا بوده است



اوراق‌گواهی سپرده مدت‌دار ویژه سرمایه‌گذاری (عام) یکساله بانک پاسارگاد

۱۸٪

شرایط اوراق

- نرخ سود علی الحساب ۱۸ درصد سالانه
- پرداخت سود در مقاطع ماهانه
- معاف از مالیات، الکترونیکی، با نام و غیر قابل انتقال به غیر
- بازخريد اوراق قبل از سررسيد با نرخ سود ۱۶ درصد سالانه
- فروش اوراق از روز شنبه ۲۷ آرمرد ماه تا ۳ شهریور ماه در کلیه شعبه های بانک پاسارگاد

مرکز مشاوره و اطلاع رسانی : ۰۲۱-۸۲۸۹۰۰ www.bpi.ir

www.refah-bank.ir
bankrefahkargaran
مرکز فراد: ۰۲۱-۸۵۲۵

بانک رفاه کارگران
روابط عمومی